

دکتر رحیم عقیقی

## فرهنگ جهانگیری\*

یکی از کتابهای ارزشمند زبان فارسی که در چند قرن اخیر در سرزمین هند گردآوری و تدوین شده کتاب فرهنگ جهانگیری است. گردآورنده این فرهنگ فارسی مرد دانشمندی بنام میر جمال الدین حسین بن فخرالدین حسن انجوی شیرازی است که سالها از عمر خود را در سرزمین هند در دربار جلال الدین محمد اکبر شاه و پسرش جهانگیر بسر آورده و پیوسته از مهر و عنایت این دو پادشاه برخوردار بوده است.

میر جمال الدین از خاندان انجویه شیراز است که نسب ایشان بقاسم الراسی بن- حسن بن ابراهیم طباطبائی حسینی میرسد. میرشاه محمود و میرشاه ابوتراب از اکابر متاخرین این خاندانست که در زمان شاه طهماسب صفوی بوساطت میر شمس الدین اسدالله شوشتری صدر ایران، اولی به شیخ الاسلامی فارس و دومی به قاضی - القضاتی آنجا اختصاص یافتند.

میر جمال الدین در اوان جوانی بزرزمین هند رفت و مورد احترام و

---

\* چون نویسنده این سطور چندی است به تصحیح فرهنگ جهانگیری اشتغال دارد اشاره مجملی به ارزش کتاب مذکور را سودمند میدانند.

۱ - مآثر الامرا از سید عبدالله خوافی بتصحیح مولوی میرزا اشرف علی مدرس

مدرسه عالی کلکته جلد ۳ ص ۳۵۸ .



بزرگداشت حکام دکن قرار گرفت و پس از آن بملازمت جلال‌الدین محمد اکبر شاه رسید و در جرگه امرا درآمد.

در سال ۹۹۳ هجری قمری که سی‌امین سال سلطنت اکبر شاه بود به منصب ششصدی رسید<sup>۲</sup> و تا سال چهارم سلطنت او پیاپی هزاری درآمد<sup>۳</sup>. در چهل و پنجمین سال سلطنت اکبر شاه عادل شاه بیجاپوری درخواست نمود دختر خود را بقدر شاهزاده دانیال<sup>۴</sup> درآورد اکبر شاه میر جمال‌الدین حسین را با ساز خواستگاری روانه آن دیار ساخت. میر، در سال ۱۰۱۳ هجری قمری که برابر با چهل و نهمین سال سلطنت اکبر شاه بود برکنار گنگ نزدیک پتته Patna مجلس جشنی آراسته و عروس را بشاهزاده سپرد و خود با گروه رفت و پیشکشی را از نظر شاهی گذرانید<sup>۵</sup>.

میر جمال‌الدین حسین با نورالدین جهانگیر پسر اکبر شاه خصوصیت تام داشت و پس از جلوس او به تخت سلطنت، به منصب سه‌هزاری<sup>۶</sup> و در دهمین سال سلطنت او به منصب چهارهزاری درآمد<sup>۷</sup>. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در دوران این پادشاه در اثر نسبتی که یکی از یاران امیری یاغی باو داد نزدیک

- ۲ - اکبرنامه از شیخ ابوالفضل علامی به تصحیح مولوی عبدالرحیم مدرس مدرسه عالی کلکته ص ۴۵۷ مآثر الامرا جلد سوم ص ۳۵۸.
- ۳ - مآثر الامرا جلد سوم ص ۳۵۹. آئین اکبری میر جمال‌الدین حسین را تا قبل از چهارمین سال سلطنت اکبر شاه جزو منصبداران نهصدی یاد کرده است رک. ص ۲۸۴ این کتاب.
- ۴ - نام دومین پسر اکبر شاه.
- ۵ - اکبرنامه جلد سوم ص ۷۸۵ و ۸۲۷ مآثر الامرا جلد ۳ ص ۳۵۹.
- ۶ - تزوک جهانگیری چاپ هند ص ۲۲ در مآثر الامرا جلد سوم ص ۳۵۹ آمده که میر جمال‌الدین تا پایان دوره اکبری به منصب سه‌هزاری رسیده است.
- ۷ - تزوک جهانگیری ص ۱۴۸.



بود به بند افتد ولی دخالت خان اعظم سبب گردید که شاه همچنان بر او اعتماد داشته باشد جریان واقعه را صاحب مآثر الامرا چنین نقل میکند:

... هنگامی که سلطان خسرو از اکهاره بغی ورزید میر، باصلاح دستوری یافت که آنچه از ملك به میرزا محمد حکیم متعلق بود سلطان متصرف شود او از کم خردی و تیره بختی راضی نشد چون دستگیر گشته بارفقا بحضور رسید حسن بیگ بیدخشی که مدار علیه مهمات او شده بود بحضور جنت مکانی زبان دراز ساخته گفت که نه من تنها رفیق بودم همه امرا که ایستاده اند در اینکار شریکند دیروز میر جمال الدین انجو که بمصالحت آمده قول منصب پنج هزاری از ما گرفته میر، رنگ و رو باخته دست پاچه گشت. خان اعظم بی باکانه عرض کرد که عجب حضرت که گوش برسخن این فضول دارند او میداند که مرا<sup>۸</sup> میکشند جمعی دیگر را هم بجانب خود میکشد، شریک غایت در این امر منم بهر عقوبتی که سزاوار باشم باید رسانید پادشاه ازین حرفها اعراض کرده بمیرد لا سافر مود...<sup>۹</sup>.

در سال ۱۰۲۵ هجری قمری که مصادف با یازدهمین سال سلطنت جهانگیر شاه بود میر جمال الدین خنجر مرصع گرانبھائی که خود آنرا هنرکاری نموده و بانواع جواهرات مزین شده بود به پیشگاه پادشاه تقدیم داشت شاه از پیشکشی میر، خرسند شد و منصب او را به پنج هزاری بالا برد و در همین سال او را به خطاب عضدالدوله ای مفتخر گردانید<sup>۱۰</sup>.

در تزوك جهانگیری در وقایع سال ۱۰۳۰ هجری قمری که برابر با شانزدهمین سال پادشاهی جهانگیر شاه است آمده: «میر عضدالدوله چون بسیار پیر و منحنی

۸ - یعنی حسن بیگ بیدخشی.

۹ - مآثر الامرا جلد سوم ص ۳۵۹.

۱۰ - تزوك جهانگیری ص ۱۵۶ و ۱۵۸ مآثر الامرا جلد سوم ص ۳۶۰.



شده از عهده سامان لشکر و جاگیر نمیتواند برآید او را از تکلیف حکومت و تردد معاف داشته حکم فرمودم که هر ماه چهار هزار روپیه نقد از خزانه عامره میگرفته باشد دور آگره و لاهور هر جامرضی او بوده باشد اقامت گزیده آسوده و مرفه الحال بسر برده بدعای ازدیاد عمر دولت اشتغال نماید»<sup>۱۱</sup>.

میر، پس از مدتی در پرگنه بهرایج محال تیول خود گذرانید سپس بحضور آمده باجل طبیعی درگذشت<sup>۱۲</sup>.

از بررسی آثار دوره اکبری و جهانگیری چنین دانسته میشود که شهرت و معروفیت میر جمال الدین بیشتر بسبب مناصبی که دارا بوده میباشد.

میر جمال الدین باآنکه در زمره امرا و منصب داران دوره اکبری بود از دوران جوانی بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه آثار استادان سخن زبان فارسی میکرد و چون اکثر آثار استادان زبان فارسی مشتمل بر اصطلاحات و لغات پهلوی و دری بود و حل بسیاری از آن لغات مشکل مینمود در صدد برآمد کتابی در این فن ترتیب دهد.

مدت سی سال از عمر خود را صرف تحقیق لغات پارسی و پهلوی و دری و اصطلاحات و غیر آن نمود تا جائی که در این علم تفسر دانسته شد و شهرت تام یافت<sup>۱۳</sup>.

در ذی قعدة سال ۱۰۰۵ هجری قمری یکی از یاران سخن او موضوع تحقیق لغات و مصطلحات فارسی را که میر بدان موفق گشته بود در دارالملک کشمیر در محفل جلال الدین محمد اکبر شاه بیان داشت پس از آن شاه او را مامور نمود

۱۱ - تروك جهانگیری ص ۳۳ توضیحاً میافزاید که در تروك جهانگیری میر عضدالدوله را میر عضدالله نوشته و بنظر میرسد اشتباه چاپی باشد.

۱۲ - مائر الامرا جلد سوم ص ۳۶۰

۱۳ - مقدمه فرهنگ جهانگیری چاپ هند ص ۳



کتابی مشتمل بر جمیع لغات و مصطلحات آن ترتیب دهد.

میرجمال‌الدین «انگشت قبول بردیده نهاده» همت بر ترتیب لغات و مصطلحات پارسیان مصروف کرد و در تهیه و جمع کتب و نسخه‌هایی که در این فن مرتب شده بود بیش از پیش مبالغه نمود و از کتب لغات بدین تفصیل: فرهنگ ابوالحفص سعیدی، فرهنگ ابوالمنصور علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی، فرهنگ ابراهیمی، فرهنگ آداب الفضلا، فرهنگ استاد عبدالله نیشابوری، فرهنگ اسکندری، فرهنگ تحفه الاحباب، فرهنگ جامع اللغات، فرهنگ حسین وفائی، فرهنگ حسینی، فرهنگ فطران، فرهنگ دستورالافاضل، فرهنگ دستورالفضلا، فرهنگ رسالت النصر، فرهنگ زفانگویا و جهان پویا، فرهنگ سروری کاشی، فرهنگ سعد بن نصیر طاهر بن تسیم، فرهنگ شرفنامه احمد میری، فرهنگ شیخ زاده عاشق، فرهنگ شیخ عبدالرحیم بهاری، فرهنگ شیخ محمود بهاری، فرهنگ ضمیری، فرهنگ عاصمی، فرهنگ عجایب، فرهنگ قنیه‌القنیان، فرهنگ لسان‌الشعرا، فرهنگ لغات دیوان خاقانی، فرهنگ عالمی، فرهنگ علی بیگلری، فرهنگ فواید ربانی، فرهنگ قاضی ظهیر، فرهنگ متین‌الطالبین، فرهنگ لغات شاهنامه، فرهنگ محمد بن قیس، فرهنگ محمد بن هند و شاه‌منشی، فرهنگ مختصر فرهنگ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی، فرهنگ مولانا مبارکشاه غزنوی فرهنگ معیار جمالی، فرهنگ مولانا الله‌داد سرهندی، فرهنگ منصور شیرازی فرهنگ مویدالفضلا، فرهنگ موایدالفواید. گردآوری کرد و نه جلد دیگر که نام مصنفین آنها را نمیدانسته و همچنین تفاسیر و تواریخ و کتاب‌زند و پازند و دواوین شعرا و کتابهای دیگر را مورد استفاده قرار داد.<sup>۱۴</sup>



آنچه در مطالعه فرهنگ جهانگیری بخصوص جلب نظر میکند روش درست و دقیق میرجمال‌الدین در تهیه و تدوین این فرهنگ است او در این مورد با آنچه دیگران ضبط کرده‌اند اکتفا نکرده و برای حل بسیاری از لغات، غیر از کتب لغت و دواوین شاعران ب مردم شهرها مراجعه کرده است خود او در این باره مینویسد: «از کتب نظم و دواوین شعرا که اشعارشان بطریق تمثیل مسطور است چون این کتابها را در قدیم الایام تصنیف کرده‌اند اکثر لغات را بفرس قدیم شرح نموده بودند مثلاً در تفسیر زاهدی دیدم که صابئین را نیغوشاک تفسیر کرده و در تفسیر حسینی و تفسیر کبیر نگاه کردم که صابئین چه معنی دارد همان را در ذیل لغت نیغوشاک مرقوم ساختم و همچنین هر لغتی که بجائوران شکاری تعلق داشت از بیازنامه تصحیح کردم چنانچه در فرهنگها دیدم علی‌الخصوص در فرهنگ محمد بن هندوشاه که معنی خشین را نوشته که رنگ باز باشد که نه سفید بود نه سبز و نه سرخ ازین عبارت خاطر را اطمینان حاصل نشد بیازنامه رجوع نمودم آنچه در آنجا مسطور بود نوشتم و همچنین لغاتی که بکتابها و دواها و امراض متعلق بودند و رجوع ببنخیره خوارزمشاهی و اختیارات بدیعی کردم و هر لغتی را که تعلق بنام ملکها و ولایتها و شهرها و قصبات و قری داشت بازگشت به نزهت القلوب حمدالله مستوفی قزوینی و عجایب البلدان نمودم ... ازین کتابهای لغت که صاحب فرهنگان در تحقیق آن مسامحت نموده بودند تصحیح یافت و بسیاری از لغات که در هیچ فرهنگ نشانی از آن نبود به رسید آنرا چاره جز تفحص از اهل دیاری که مصنف و ناظم از آنجا بوده و یا توطن در آنجا داشته یافتیم مثلاً لغاتی که از حدیقه دیوان حکیم سنائی غزنوی یافته شد از مردمان غزنی و کابل پژوهش نمودم و آنچه از دیوان حکیم ناصر خسرو و شعرنامه او ظاهر گردید از خراسانیان و بدخشیان تفحص کردم و آنرا بشواهد



ابیات فصحاء و شعرا موکد گردانیده مرتب ساختم ....<sup>۱۵</sup>

میرجمال‌الدین برای ترتیب و گردآوری چنین فرهنگی مدت ۱۲ سال از عمر خود را صرف کرد و سرانجام در سال ۱۰۱۷ هجری قمری یعنی در چهارمین سال سلطنت محمد جهانگیر پادشاه پسر اکبرشاه تدوین او را با تمام رسانید و بنام پادشاه وقت آنرا فرهنگ جهانگیری نام گذاشت خود او ماده تاریخ آنرا چنین آورده است:

مرتب گشت این فرهنگ نامی  
چو جستم سال تاریخش خرد گفتم  
باسم شاه جمجاه جهانگیر  
زهی فرهنگ نورالدین جهانگیر

فرهنگی که میرجمال‌الدین انجو گردآوری کرده است بیگمان یکی از فرهنگهای خوب و جامع زبان فارسی است. صاحب مآثر الامرا مینویسد: «میر بکمالات ظاهری آراستگی داشت نسخه فرهنگ جهانگیری که در این فن و نزد همه سند است از اوست الحق در تحقیق الفاظ و تعیین اعراب مساعی شگرف بکار برده»<sup>۱۶</sup>

رودکی. ابوشکور. شهید بلخی. خسروانی. ناصر خسرو. دقیقی. فردوسی. فرخی. منوچهری. اسدی. معزی. انوری. فخر گرگانی. عسجدی. خاقانی. نظامی. سنائی. عطار. جلال‌الدین رومی. اوحدی. اثیرالدین اخیسکتی. مسعود سعدسلیمان. عبدالواسع جبلی. ابوالفرج رونی. سوزنی. ظهیر فاریابی. ازرقی. ابن‌یمین. کمال اسماعیل. سعدی. حافظ. جامی. نزاری قهستانی. سید حسن غزنوی. مختاری. قطران. شمس فخری. ملکی شروانی. بسحاق اطعمه. پوربهای جامی. شاه‌داعی شیرازی. رضی‌الدین نیشابوری. عمادی سلطانی. شیخ آذری. امیر خسرو دهلوی سیف اسفرنگی. خواجه عمید لویکی. شمالی دهستانی. بدر جاجرمی... از کسانی هستند که شعر آنان بعنوان مثال در این کتاب آمده است.

۱۵ - مقدمه فرهنگ جهانگیری چاپ هند ص ۶

۱۶ - مآثر الامرا جلد سوم ص ۳۶۰.



سروری در مجمع‌الفرس از این فرهنگ استفاده کرده و در مقدمه فرهنگ خود چنین آورده است.

«پوشیده نماند که در سنه ۱۰۲۸ مؤلف این نسخه اعنی خوشه‌چین خرمن معانی سروری کاشانی شرف مطالعه فرهنگ نواب معلی القاب شوکت و ابهت ماب عظمت و حشمت انتساب سلطنت و امارت ایاب سیادت و تقابت قباب شاه جمال‌الدین حسین اینجو که در این سال از هند آوردندش و این نسخه را بالحاق بعضی از لغات و فواید آن مزین گردانید<sup>۱۷</sup>.

محمد حسین بن خلف تبریزی در کتاب برهان قاطع از فرهنگ جهانگیری بهره کافی گرفته و بطوریکه مینویسند پیروی صاحب برهان از فرهنگ جهانگیری بدرجه ایست که در بعضی موارد عینا کلمات و عبارات و جمل جهانگیری را بیان و نقل نموده است<sup>۱۸</sup>.

صاحب فرهنگ رشیدی نیز این فرهنگ را جامعترین فرهنگها نامیده و از آن در فرهنگ خود استفاده کرده و یادآور شده است «هرجا که فرهنگ مطلق مذکور شود عبارت از فرهنگ جهانگیری باشد»<sup>۱۹</sup> علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
فرهنگ نویسان دیگر مانند محمد پادشاه صاحب اندراج و غیاث‌الدین محمد صاحب غیاث‌اللغه و داعی‌الاسلام صاحب فرهنگ نظام هریک بنحوی از این فرهنگ یاد میکنند<sup>۲۰</sup>.

۱۷ - مقدمه مجمع‌الفرس بتصحیح دبیرسیاقی ص ۷ جالب این است که صاحب فرهنگ جهانگیری نیز از فرهنگ سروری استفاده کرده و در مآخذ خود او را نام میبرد.  
۱۸ - نامه فرهنگستان سال سوم شماره اول خطابه دانشمند محترم جناب آقای علی‌اصغر حکمت.

۱۹ - فرهنگ رشیدی بتصحیح محمد عباسی ص ۱۱  
۲۰ - فرهنگ اندراج بتصحیح دبیرسیاقی ص ۶ فرهنگ غیاث‌اللغه بتصحیح دبیر سیاقی ص ۲ فرهنگ نظام ص ۲



ناگفته نماند که فرهنگ جهانگیری با همه دقت و توجهی که برای تهیه آن بکار رفته خالی از عیب و نقص نیست از مواردی که میتوان برای مثال یادکرد طرز ترتیب لغات کتابست.

میرجمال‌الدین در این باره روش نوی درپیش گرفته و نخواسته است کاری که دیگران در فرهنگ خود کرده اند تقلید نموده باشد. خود او در آئین چهارم<sup>۲۱</sup> کتاب باین مطلب اشاره میکند و برای اشتقاق کلمات مواردی را شرح میدهد. باین ترتیب پیدا کردن معانی لغات مستلزم مطالعه مقدمه و توجه داشتن بنکات مندرج در آنست. پیدا است که این روش برای جویندگان لغات دشوار و استفاده از این کتاب را مشکل مینماید. موارد دیگری نیز وجود دارد که در مقدمه‌ای که از طرف نگارنده برای کتاب فراهم آمده مشروحا یاد شده است.

از فرهنگ جهانگیری بسبب شهرت و معروفیتی که داشته دستنویسهای متعددی در دست مییابد رونویسگران در این دستنویسها دخل و تصرف کرده و صورت بسیاری از واژه‌ها را دگرگون نموده و گاهی اشعار شاعران را تغییر داده اند.

در سال ۱۲۹۳ هجری قمری این فرهنگ در لکهنوی هند بسمی مولانا سید محمد صادق علی غالب لکهنوی بچاپ رسیده است این فرهنگ چاپ شده براساس یکی از نسخه‌های مغلوط بچاپ رسیده و در آن تصحیح انتقادی صورت نگرفته است.

نگارنده این سطور برای تصحیح این گنجینه ارزشمند زبان فارسی که تاکنون در ایران بطبع نرسیده از مدتی پیش مطالعاتی نمود و پس از بررسی دستنویسهای متعدد کتابخانه‌های معروف از قبیل کتابخانه ملی تهران، کتابخانه



مجلس کتابخانه مسجد سپهسالار. کتابخانه دانشکده ادبیات تهران. کتابخانه دانشگاه مرکزی تهران. کتابخانه ملی ملک. کتابخانه آستان قدس رضوی و چند کتابخانه شخصی و همچنین بررسی فهرست‌های چاپی کتابخانه‌های بزرگ اروپا\* و کتابخانه بانکی پور هندوستان که شرح هر يك در مقدمه‌ای که برای این کتاب فراهم آمده یاد شده کار خود را آغاز نمود.

دستنویسهای کتابخانه‌های یادشده بالا اغلب بدون تاریخ و بعضی که دارای تاریخ است از زمان متاخر می‌باشد در میان این دستنویسها که خصوصیات آنها بنظر نگارنده رسید چند نسخه که هم از نظر قدمت و هم از نظر درستی مطلب بهتر تشخیص داده شد انتخاب گردید و قدیمترین دستنویس را که تاریخ تحریر در پشت آن نوشته شده نسخه اساس قرار داد. امید آنکه توفیقی بدست آید که در آینده نزدیکی به پیشگاه صاحبان دانش عرضه گردد. در پایان ایشغال از حضور دانشمندان و صاحب نظران درخواست دارد چنانچه بر دستنویس قدیمی و یا دستنویسی که بنحوی دارای ارزش باشد دسترشی داشته باشند بر این بنده زمخت نهاده و از آن آگاه فرمایند تا خدمتی تمام انجام گردد. *پرتال جامع علوم انسانی*

- \* Rieu, Bodleian Cat.
- \* W. Pertsch, Berlin Cat.
- \* E. G. Browne, Cambridge Cat.
- \* E. Blochet, Paris.
- \* Ethé, India Office .
- \* Rosen, Persian Mns.
- \* (St. Petersburg Univ. Libr.)
- \* Marburg Cat .